

نوآوری در فدرالیسم کاتالان

ماشاله رزمی

از سال 2004 که حزب سوسیالیست های کاتالان حکومت خود مختار کاتالان را در اختیار گرفته است بحث مساله ملی در محافل سیاسی و روشنفکری اسپانیا گسترده تر از همیشه مطرح می شود زیرا پاسکال ماراگلا رهبر حزب و رئیس حکومت خودمختار (جنرالیتا) با طرح ایده های تازه درباره فدرالیسم و استقلال در افکار عمومی شگفتی می آفریند گوتی ها و آلان هاز اقوام بومی اطراف دریای خزر بوده اند که در دورانی گذشته و با حرکت امواج انسانی از شرق به غرب تا جنوب اروپا پیش رفته و در قرن پنجم میلادی در کنار دریای مدیترانه حکومت «گوتی-آلان» را تشکیل داده اند که گوتی آلانیا نامیده می شد و بارسلون را پایتخت خود ساخته اند و مورخین اروپائی آنرا حکومت «ویزیگوت ها» می شناسند

کاتالان ها در قرون سیزده و چهارده قدرت تجاری بزرگ بین سه قاره اروپا، آسیا و آفریقا بوده اند و اکثر جزایر و بنادر مدیترانه را در تصرف خود داشتند و تنها نقشه تجاری باقی مانده از قرن پانزدهم نیز به زبان کاتالانی می باشد که به «اطلس کاتالان» معروف است که در آن نقشه شهر های بزرگ آن دوران و محصولات آن که در آنجا ها وجود دارد از قبیل ابریشم، عاج، ادویه و غیره قید شده و توضیحاتی بزبان کاتالانی در حاشیه نوشته شده است زبان کاتالان از خانواده زبانهای هند و اروپائی است که اصطلاحا گال و رومن نیز نامیده می شود آثار ادبی ارزشمندی به این زبان از قرن دوازدهم موجود است و قرن چهاردهم اوج شکوفائی این زبان بوده است و در حال حاضر مجموع کسانی که در اسپانیا، ایتالیا و فرانسه بزبان کاتالان حرف می زنند دوازده میلیون نفر می باشد کاتالان یکی از چهار زبان رسمی در کشور اسپانیاست و نظر باینکه کاتالانی زبان رسمی کشور مستقل شاهزاده نشین «آندور» است لذا از نظر یونسکو زبان اقلیت قومی شناخته نمی شود بلکه یکی از یازده زبان رسمی اتحادیه اروپاست و نسبت به تعداد کسانی که باین زبان حرف می زنند در مرتبه هفتم در اروپا قرار دارد

ناسیونالیسم کاتالان بمفهوم امروزی آن در قرن نوزدهم ابتدا در میان بورژوازی و روحانیت کاتالان بوجود آمده و بعد از عمومی شدن خود یک جریان آناشیسستی را در بین طبقه کارگر ایجاد کرده است بدینجهت اکثر رهبران کارگران اروپا در باره «کاتالانیسم» اظهار نظر کرده و راجع به آن موضع گرفته اند

کاتالانها در جنگهای داخلی اسپانیا (1936 _ 1939) در کنار جمهور یخواهان چپ قرار گرفتند و باشکست جمهور یخواهان و پیروزی فرانکیست ها که با حمایت هیتلر از فرانکو عملی شد و دیکتاتوری در اسپانیا مستقر گردید کاتالانیسم ممنوع شده و بیان هرگونه خواسته ملی جرم تلقی شد فشار و اختناق که در دوره فرانکو برای نابودی زبان و فرهنگ کاتالان وارد می شد باعث پیدایش جنبش مقاومت فرهنگی عظیمی شد که کاتالانیسم را بصورت بی سابقه ای گسترش داد و انگیزه استقلال طلبی را تقویت کرد

با مرگ فرانکو در سال 1975 و استقرار دموکراسی در اسپانیا خودمختاری کاتالان احیاء شد و در سال 1978 قانون خودمختاری کاتالان بتصویب پارلمان اسپانیا رسید و نقش اصلی در حکومت محلی کاتالان که «جنرالیتا» نامیده می شود در اختیار حزب ناسیونالیست میانه رو «همبستگی و اتحاد» قرار گرفت این حزب سیاست اتحاد با حکومت مرکزی مادرید را انتخاب کرد و توانست سیستم اداری خودمختاری کاتالان را تکمیل کند و زمینه رشد سایر احزاب ملی کاتالان را فراهم سازد زبان کاتالان سند هویت ملی و سلاح مبارزاتی کاتالان ها برای خود مختاری بیشتر است اختلاف کاتالان ها با حکومت مرکزی مادرید باعث پویائی فرهنگ و اقتصاد کاتالان است این اختلافات که در تمام عرصه های زندگی سیاسی و اجتماعی نمود دارد و از تیم های ورزشی گرفته تا خلاقیت های هنری را شامل می شود، نوعی دینامیسم در زندگی کاتالان ها ایجاد می کند که موجب پیشرفت آنها در تمام زمینه هاست و همچنین رقابت بارسلون با مادرید باعث می شود تا اندازه ای اختلافات داخلی کاتالان ها به کناری نهاده شده و در مواردی حتی فراموش گردد

زبان کاتالان طی سال های اخیر رونق زیادی پیدا کرده است و تمام کسانی که در مناطق کاتالان نشین زندگی می کنند دو زبان به اند نقش تاریخی کاتالان ها در زندگی سیاسی و اقتصادی اسپانیا بسیار شبیه نقش آذربایجانی ها در حیات سیاسی و اجتماعی ایران است بهمین خاطر آشنائی با تجربه فدرالیسم کاتالان می تواند به رشد و غنای بحث فدرالیسم در ایران کمک کند و ضرورت تغییر ساختار حکومت و ایجاد دولت مدرن را بیشتر خاطر نشان سازد

دورتازه رشد کاتالان‌یسم از آنجا شروع شد که در سال 2004 با پایان یافتن دوره نخست وزیری آرنار در اسپانیا که سیاست مرکز گرا را دنبال می کرد و افتخار می کرد که توانسته است ناسیونالیسم را مهار نماید افق جدیدی در صحنه سیاست گشوده شد و با قدرت رسیدن زاپاتارو در مارس همانسال نقش مناطق و اقلیت های ملی در سیاست اسپانیا افزایش یافت حوزه لوئی زاپاتارو و حزب سوسیالیست اسپانیا مدافع پلورالیسم ملی است و بدین خاطر کفه ترازو بنفع فدرالیست ها و طرفداران عدم تمرکز حداکثر تغییر کرده است اکنون بحث افزایش قدرت مناطق خودمختار همه گیر شده و مخالفان می گویند که مسائل با ریسک بالا مطرح میشود در این مباحث از باسک زیاد صحبت بمیان می آید زیرا بدلیل تداوم مبارزه مسلحانه باسک ها ، عده ای معتقدند که مبارزه مخفی و قهر آمیز باسک ها دموکراسی را در اسپانیا بمخاطره می اندازد با اینکه باسکها زیاد مطرح می شوند ولی مانند همیشه این کاتالان ها هستند که حرف آخر را میزنند و رهبری فکری اقلیت های ملی در اسپانیا در اختیار کاتالان هاست با شکست حزب همبستگی و اتحاد در انتخابات کاتالان و کنار گذاشته شدن خوردی پوخال رهبر تاریخی کاتالان ها اکنون پاسکال ماراگلا رهبر حزب سوسیالیست کاتالان و رئیس حکومت خود مختار است که افکار عمومی را بطرف خود جلب می کند

ماراگلا در دسامبر سال 2004 برای رسیدن به قدرت با استقلال طلبان جمهوریخواه چپ ائتلاف کرد و بر نامه مشترکی را با آنان امضاء نمود که به برنامه « شرکت مستقیم » معروف شده است منظور از شرکت مستقیم ، عضویت مستقیم کاتالان در اتحادیه اروپاست سر فصل های مهم این برنامه عبارتند از تقاضای عضویت مستقل کاتالان در اتحادیه اروپا ، استقلال مالی کاتالان از بقیه مناطق ، عمومی کردن کاربرد زبان کاتالانی و قرار گرفتن امر مهاجرت و مهاجرین در حوزه اختیارات جنرالینا

ماراگلا به دولت مرکزی پیشنهاد داده است که اخذ مالیات از کاتالانها به حکومت محلی واگذار شود و فقط نصف مالیات جمع آوری شده به صندوق حکومت مرکزی واریز شود برنامه ماراگلا و همچنین ائتلاف او بااستقلال طلبان چپ باعث نگرانی طرفداران حکومت متمرکز شده است و موجب شده است سوالاتی را درباره نیت باطنی رهبر کاتالان مطرح بکنند ماراگلا درمبارزات انتخاباتی لحن رادیکال داشت و ازجمله می گفت « اگر مادرید راه بی بازگشت بارسلون را که برای خودمختاری بیشتر برگزیده است سد کند فاجعه به بار خواهد آمد » علیرغم چنین اظهاراتی وی اصلا شبیه یک استقلال طلب کلاسیک نمی باشد ماراگلا خواهان جدائی کاتالان از اسپانیا نیست بلکه خود را مدافع سیستم پلورالی معرفی می کند که توسط زاپاتارو عنوان شده است و جوهر آن شناسائی سیستم اداری مناطق خودمختار بمثابه دولت های واقعی است ، بزبان دیگر ، دولتی فدرال تر از دولت فعلی اسپانیا اگر این طرح عملی شود کاتالان از اسپانیا جدا نمی شود بلکه با قدرت اقتصادی و سیاسی که کاتالان ها دارند ، دولت اسپانیا از درون توسط دولت کاتالان تسخیر می شود و این همان کاتالانی است که ماراگلا در پی تحقق آنست ، دولتی در درون دولت که سیاست های کلی را ترسیم نماید و از درون ، بیرون را رهبری کند

از نظر ماراگلا اشتباه بزرگ ناسیونالیست های سنتی کاتالان این بوده است که برای رسیدن به هدف نهائی خویش نخواستند اند یا تلاش نکرده اند تا بخشی از قدرت و یا حتی نصف قدرت مرکزی در مادرید را تصاحب کنند ، امری که ممکن و در مقطعی عملی بود با این دیدگاه کاتالان‌یسم دیگر تنها کسب خودمختاری اقتصادی و استقلال فرهنگی در دایره محدود خود کاتالان نخواهد بود بلکه تلاشی خواهد بود برای تغییر اساسی و ماهیت دولت اسپانیا و تبدیل آن به یک دولت پست مدرن اروپائی تا ازوضعیت دولت _ ملت کلاسیک فعلی خارج شود

عملی شدن این طرح زمانی ممکن خواهد بود که اسپانیای امروزی از حالت « رادیو _ سائتریک » که حکومت های خود مختار را در حاشیه خود نگاه می دارد خارج شود و به شبکه ای از دولتها تبدیل گردد که کاتالان گرانیکه اقتصادی و سیاسی آن خواهد شد ماراگلا می گوید:

کاتالان که همواره موتور اقتصادی اسپانیا بوده است موقعیت مرفه خود را زمانی حفظ خواهد کرد که دور نمای آینده خود را فراتر « از مرز های جغرافیائی فعلی ترسیم کند ، ما باید توان بازی کردن آن نقش کلیدی را در منطقه ای داشته باشیم که من آنرا حوزه مدیترانه ای اروپا می نامم این حوزه اقتصادی شامل مناطق میدی پیرنه و لانگ دوک روزیون در فرانسه و کاتالان ، آراگون ، جزایر بالرو منطقه والانس در اسپانیاست ، این منطقه اروپائی با هفده میلیون جمعیت که تا بحال محروم از توجه کافی بوده است جوابگوی یک نیاز همزیستی استراتژیک می باشد و برای عملی شدن این پروژه ، نقشه فعلی اسپانیا بایدتغییر کند در جهت پیشبرد این هدف ، انتخاب زاپاتارو در 14 مارس 2004 مرحله جدیدی در مبارزه ملی کاتالان ها بوده است که می توان آنرا یک گام بزرگ تاریخی نامید ازین « به بعد کاتالان در رهبری قدرت سیاسی اسپانیا حضور مستقیم خواهد داشت و تصمیمات مشترکا گرفته خواهد شد

در جملات بالا آشکارا تقسیم قدرت حکومت مادرید مطرح است ماراگلا اسپانیای فردا را کشوری با سیستم سیاسی

فدرالیسم آسیمتریک « پیشنهاد می کند فدرالیسم آسیمتریک که می توان آنرا فدرالیسم نامتقارن نامید سیستمی است که در آن همه « مناطق یک کشور به یک اندازه دارای خودمختاری نیستند بلکه بعضی از مناطق دارای استقلال کامل هستند و بعضی دیگر تحت سرپرستی حکومت مرکزی می باشند چنانچه پیشنهادات ماراگلا عملی شود اسپانیا اولین کشور دنیا باسیستم فدرالیسم آسیمتریک خواهد

شد او عنوان میکند که در سه یا چهار منطقه اسپانیا از جمله کاتالان ، باسک و گالیسی دولت های فدره تشکیل شود و در بقیه مناطق که فعلا مساله ملی مطرح نمی کنند یک دولت دیگر اداره امور را در دست داشته باشد و همه اینها یعنی دولتهای فدره و بقیه مناطق اسپانیا در درون یک دولت فدرال با حداقل اختیارات قرار بگیرند

ماراگلا ایده « استقلال _ همبستگی داخلی» را جایگزین ایده « جامعه ملی تاریخی » می کند که استقلال طلبان سنتی آنرا می پرستیدند نظریات ماراگلا در یک سیستم چند مرکز می تواند باشکال مختلف اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی تفسیر و عملی بشود که حوزه عملکرد بعضی از آن مراکز از مرزهای اسپانیا فراتر می رود در یک کلام او خواهان کشور کثیر المرکز است

رئیس جنرالیتا مفاهیمی چون « کشور کثیرالمله» را رد می کند زیرا بنظر او در کشور هائی که حکومت مرکزی

کثیر الملّه بودن کشور را می پذیرد ، غیر از ملت حاکم بقیه ملل فقط خود مختاری فرهنگی دارند که حلال تمام مشکلات ملی نیست و در نهایت بجائی نخواهد رسید او همچنین تشکیل دولت _ ملت جداگانه را که استقلال طلبان در مرکز سیاستهای خود قرار می دهند قبول ندارد زیرا معتقد است که دوران سیستم های کلاسیک به پایان رسیده است و همه دولت _ ملت های موجود دچار بحران ساختاری هستند

باین ترتیب « فدرالیسم آسیمتریک » بمثابة شکل سیاسی ناسیونالیسم پست مدرن معرفی می شود که فراتر از استقلال طلبی مرسوم قرار می گیرد

این برداشت از خود مختاری کاتالان بدنبال فرصتهای تاریخی مناسبی بوجود آمده است که بعد از مرگ فرانکو ، واستقرار دموکراسی ، جذب شدن اسپانیا در اتحادیه اروپا سومین عامل مناسبی بوده است که طی سی سال گذشته بنفع ناسیونالیسم تمام شده است زیرا قوانین اروپا هرچه از اختیارات دولت ها می کاهد بیشتر از آن به اختیارات مناطق می افزاید اتحادیه اروپا آشکارا میدان مانور مناطق ملی را گسترش داده و اکسپژن تازه ای از نظر اقتصادی و ارتقاء فرهنگی برای اقلیت ها و ملل محروم مانده فراهم کرده است کاتالان ها خواهان اروپای مناطق می باشند

غیر از احزاب دست راستی که عموما نظریات ماراگلا را باتهام تجزیه طلبی محکوم می کنند در صفوف چپ غیر کاتالان نیز دیدگاههای او مخالفان جدی دارد آنان می گویند خود مختاری اقتصادی نهایتا به استقلال کامل مناطق منجر می شود و این امر به ضرر مناطق فقیر اسپانیا تمام خواهد شد در صورت استقلال اقتصادی مالیات دهندگان بحق سوال خواهند کرد که چرا باید کاتالان مرفه و ثروتمند با اندلس فقیر شریک بشود ؟

موفقیت های کاتالان ابتدا به ساکن و صرفا در اثر تحولات درونی کاتالان و اسپانیا نبوده بلکه شتاب گیری روند جهانی شدن و برداشته شدن مرزها در اروپا زمینه های قاره ای و جهانی مناسبی را برای پیشرفت کاتالانیسم فراهم کرده است در عین حال عامل اصلی موفقیتها ، شکل مبارزه مسالمت میز و بی وقفه خود کاتالان ها بوده است و اکنون زمان آن رسیده است که کاتالان ها برای عملی کردن برنامه های خود اقلیت های دیگر از جمله باسک هارا با خود همراه سازند

کاتالان ها وباسک ها همزمان بعد از مرگ فرانکو خود مختاری گرفتند ولی برای رسیدن به هدف نهائی اشکال مبارزاتی متفاوتی را انتخاب کردند کاتالان به مبارزه پارلمانی و حزبی با شیوه مسالمت آمیز روی آورد ولی باسک ها همان شکل مبارزاتی مخفی و مسلحانه را که از زمان فرانکو شروع کرده بودند ادامه دادند در این مبارزه طی سی و پنج سال گذشته بیش از هشت هزار نفر جان خود را از دست داده اند که نیمی از آنها از کادرهای استقلال طلبان باسک بوده است تعداد بی شماری نیز زندانی و یا فراری شده اند بدینجهت باسک نتوانسته است مردان سیاسی ورزیده و با تجربه پرورش دهد و این درحالی است که کاتالان در این مدت نسل جدیدی از تنورسین ها و زنان ومردان سیاسی را پرورش داده است که نه تنها در سطح اسپانیا بلکه در تمام اروپا مطرح هستند و نظریات بدیعی برای اصلاح سیستم های حکومتی و حل مساله ملی مطرح می کنند

با به بن بست رسیدن مبارزه مسلحانه استقلال طلبان باسک شانس پذیرفته شدن برنامه کاتالان ها توسط باسک ها بیشتر شده است بعد از واقعه 11 سپتامبر 2001 در نیویورک افکار عمومی در کشور های غربی نسبت به مبارزات قهر میز آنتی پاتی پیدا کرده است و

هرگونه عمل مسلحانه را تروریسم نامیده و در ردیف عملیات تاریک اندیشان ضد تمدن قرار می دهد همین عامل باعث شد تا ارتش آزادیبخش ایرلند شمالی رسماً مبارزه مسلحانه را رد کند و بعد از انفجار قطارهای شهری مادرید در سال 2004 استقلال طلبان باسک نیز هیچ عمل مسلحانه ای انجام نداده اند و با توجه به اینکه باسک ها همواره از ایرلندی ها الهام می گرفتند و حتی بعضی از کادرهای باسک بشیوه ایرلندی آموزش می دیدند ، اکنون نیز احتمال تکرار تجربه ایرلند توسط باسک ها تقویت شده است بویژه که بعضی از رهبران زندانی باسک با تقبیح و محکوم کردن عملیات تروریستی مشی مسلحانه باسک را رد کرده اند

باسک ها با دولت اسپانیا اختلاف مذهبی ندارند و احتمال توافق سیاسی در اینجا بیشتر از ایرلند است زیرا در ایرلند اختلاف تاریخی کاتولیک ها و پروتستانها امر توافق و اتحاد را مشکل می ساخت اکنون اگر کاتالان ها باسک ها را به مبارزه مسالمت میز و عاری از قهر متقاعد سازند و با خود همراه نمایند ، آنگاه کاتالان ، باسک و گالیسی خواهند توانست آن نوع خود مختاری حد اکثری را که کاتالان دنبال می کند بدست آورند و می توان گفت که با هماهنگی این سه ملت فدرالیسم اسیمتریک در اسپانیا از حالت تئوریک صرف خارج شده و صورت واقعی خواهد یافت

ژوئیه 2005 _ پاریس

<http://www.kitablar.com/>